

# علم أصول الفقه

٧٨

٢٣-١-٩٤ ظهور

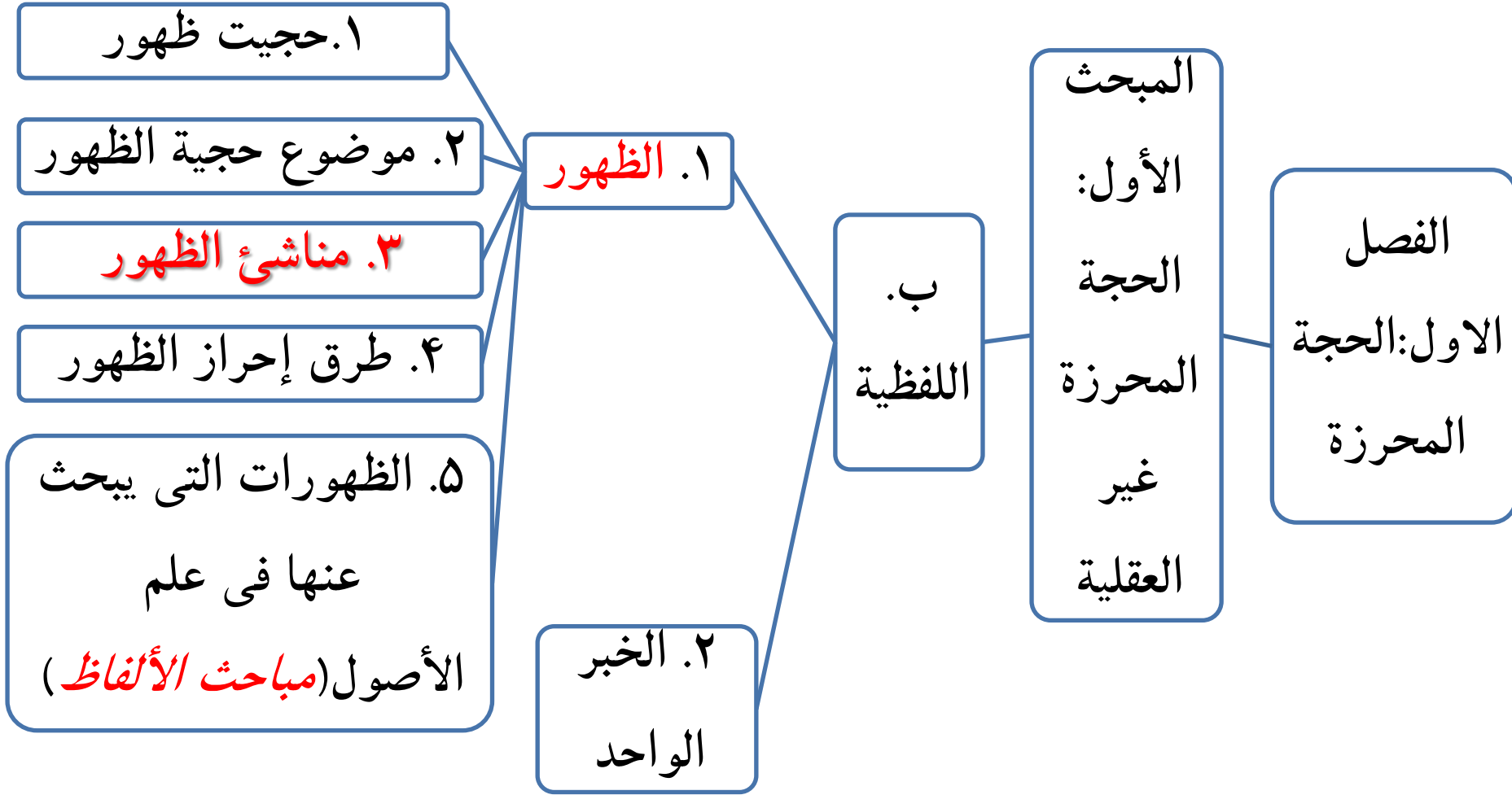
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

از «إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا» تا «إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»

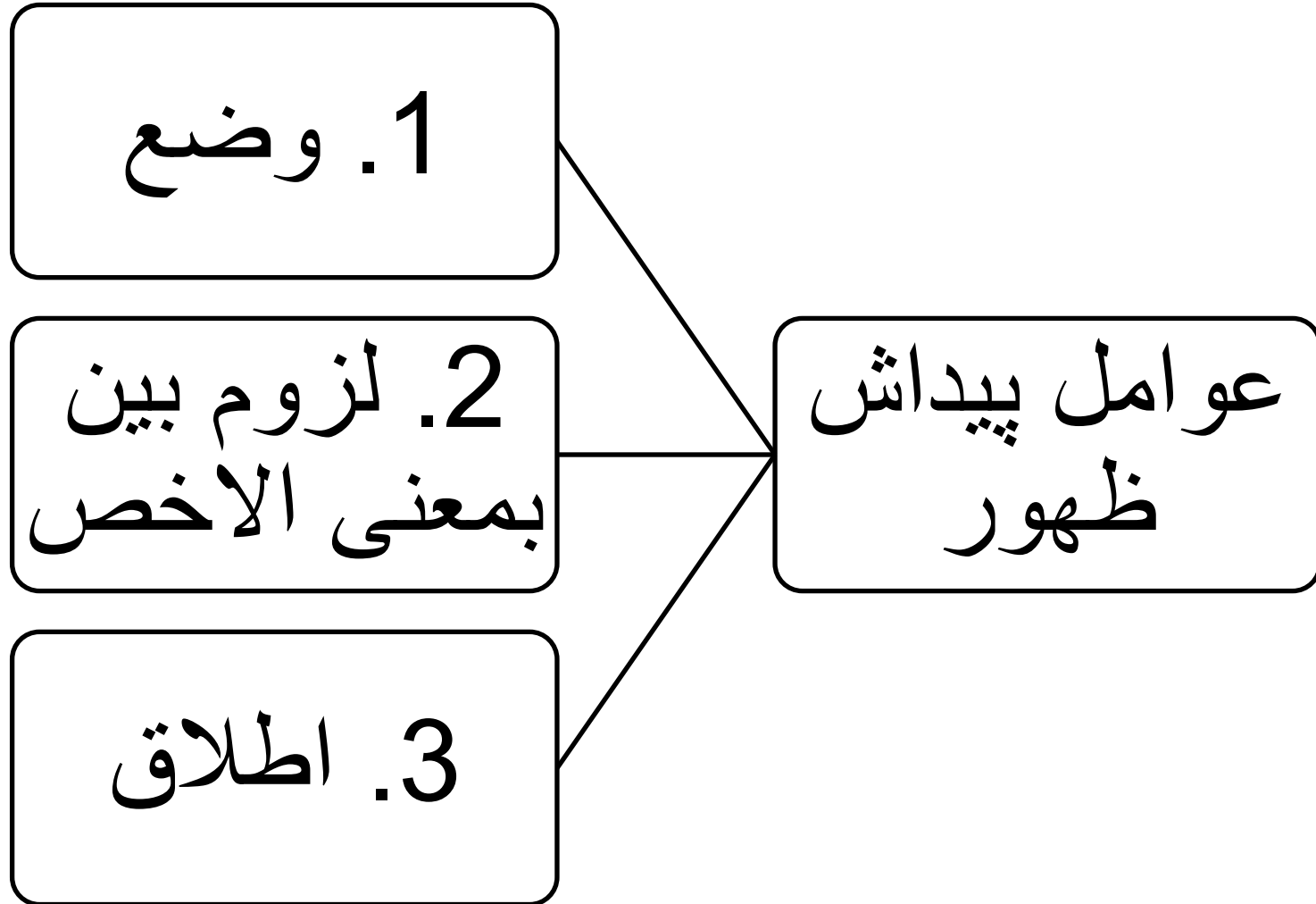
- وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا **إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا** إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ (١١٣)
- قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ (١١٤)
- قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَ إِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ (١١٥)
- قَالَ الْقَوَا فَلَمَّا الْقَوَا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَ اسْتَرْهَبُوهُمْ وَ جَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ (١١٦)
- وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (١١٧)
- فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١١٨)
- فَغَلَبُوا هُنَالِكَ وَ انْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (١١٩)

از «إِنَّا لَنَا لَأَجْرًا» تا «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ»

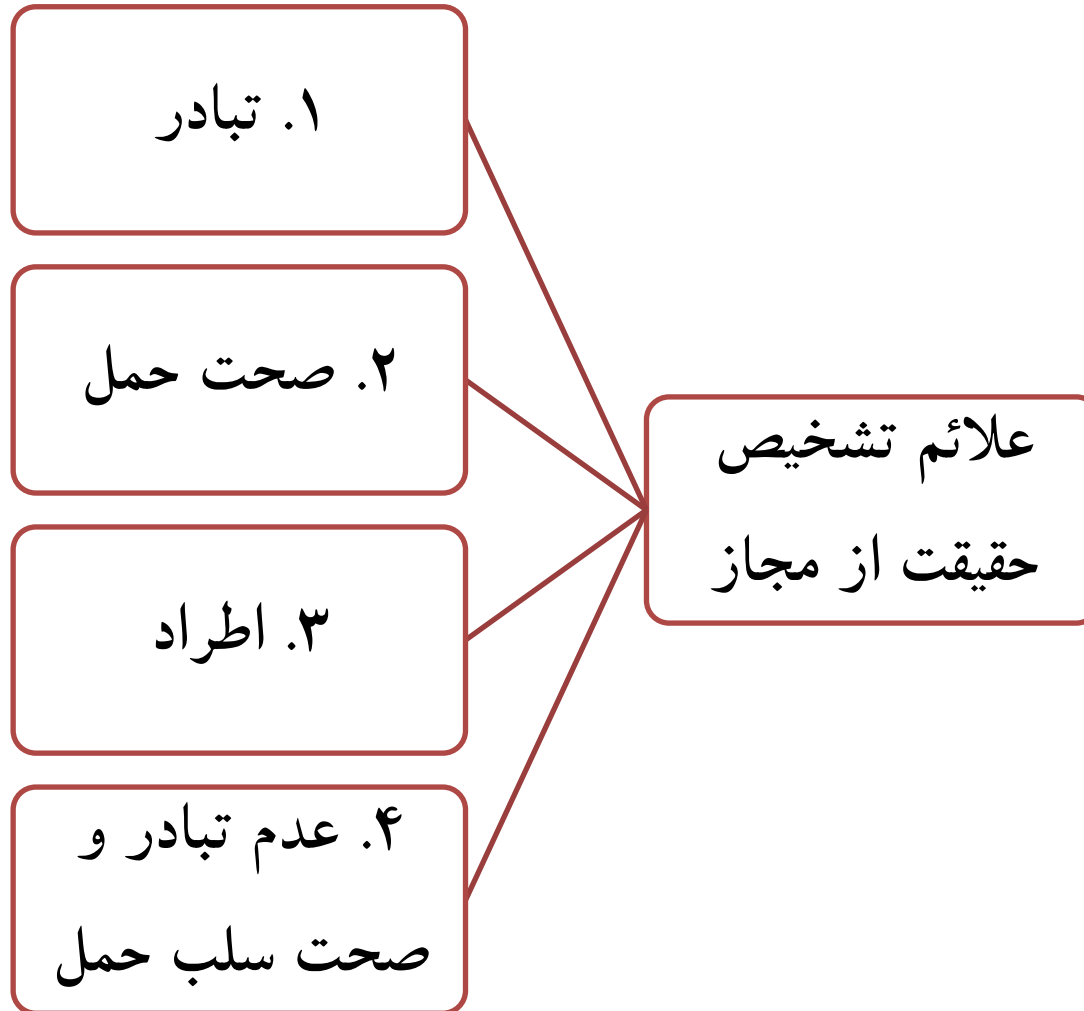
- وَ أَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ (١٢٠)
- قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (١٢١)
- رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ (١٢٢)
- قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرَجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (١٢٣)
- لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (١٢٤)
- قَالُوا **إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ** (١٢٥)
- وَ مَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (١٢٦)

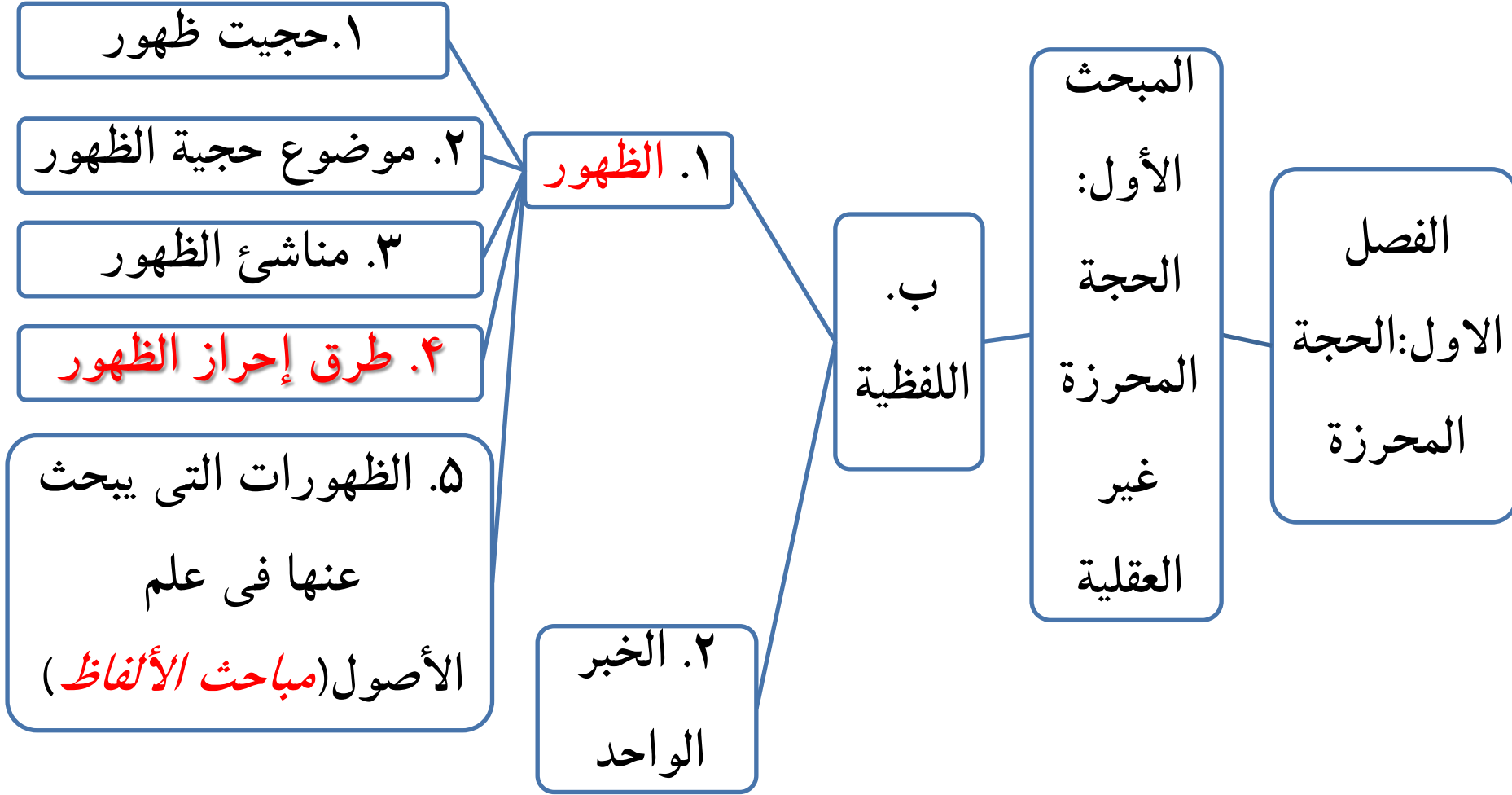


### ٣. مناقشة الظهور: اطلاق

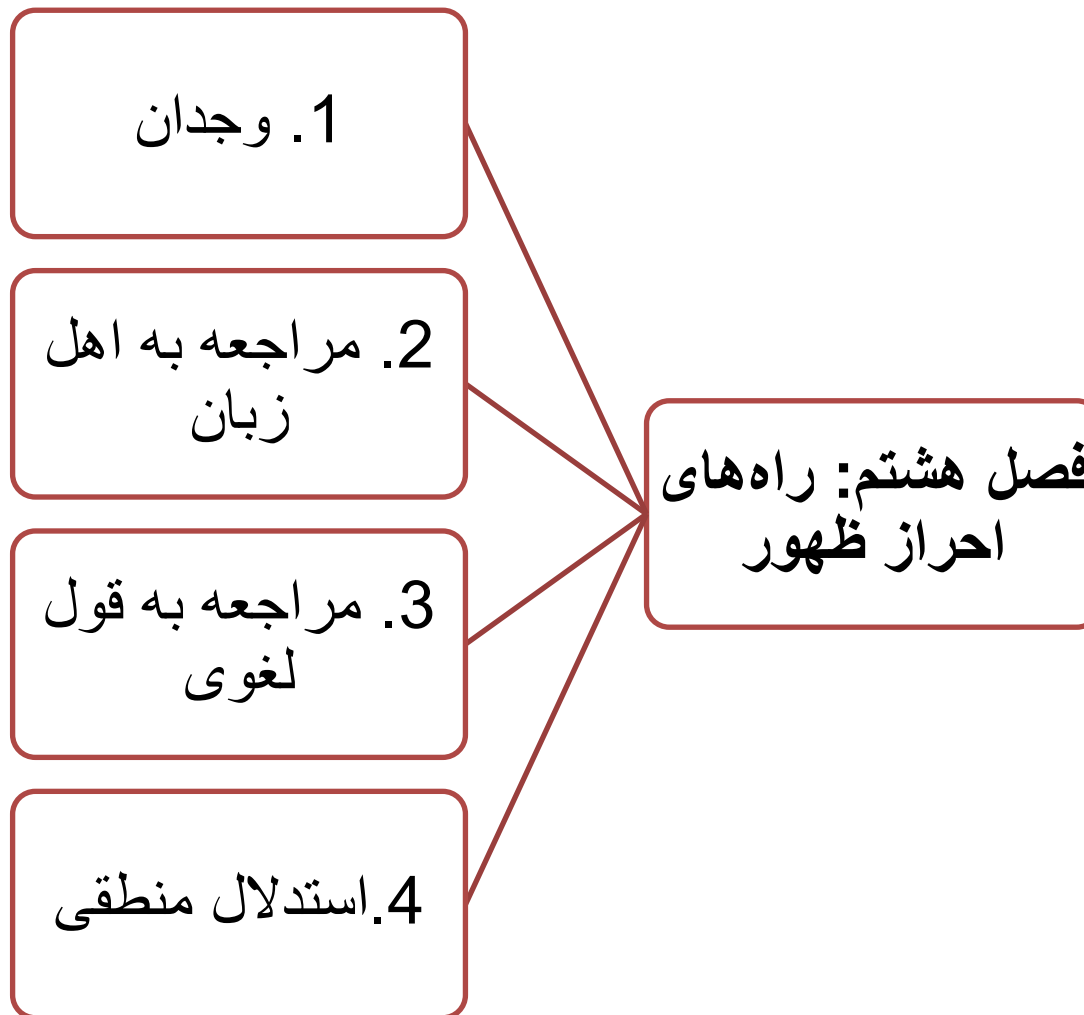


# علائم تشخیص حقیقت از مجاز



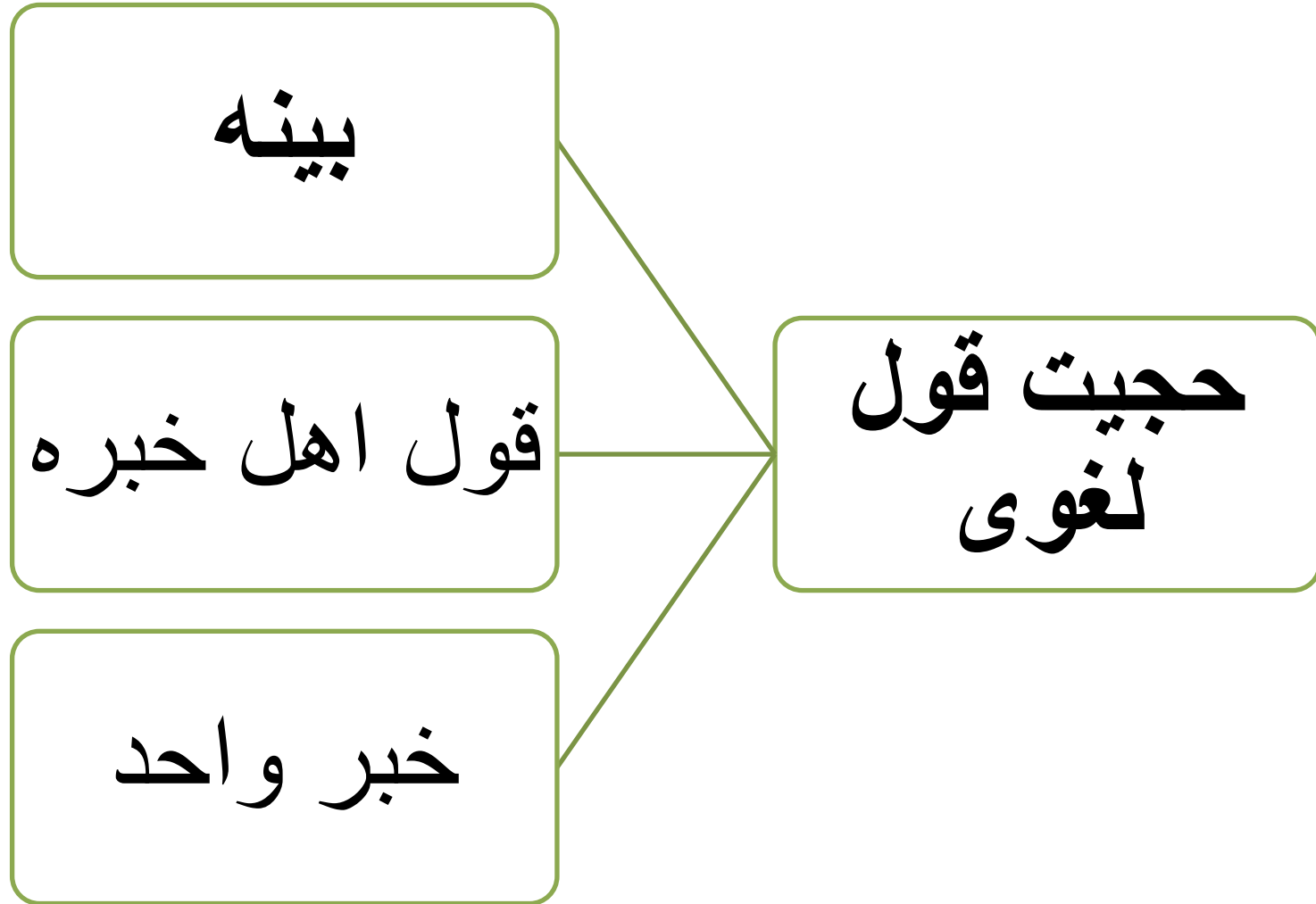


## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور





## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۲. حجیت قول لغوی از باب خبرویت
- سیره عقلا این است که در مسائل تخصصی به متخصص مراجعه می‌کنند و مسئولیت رفتارشان را بر عهده آن متخصص می‌گذارند. شارع هم این سیره عقلایی را پذیرفته است. به همین دلیل ما در بحث تقلید می‌گوییم تقلید به دلیل سیره عقلا مشروع است؛ زیرا تقلید چیزی نیست جز مراجعه به اهل خبره در مسائلی که نیاز به خبرویت دارد از نظر عقلا در فرد خبره دو چیز معتبر است: یکی خبرویت و دیگری وثاقت.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- سؤال این است که آیا زائد بر دو شرط عقلائی برای رجوع به اهل خبره لازم است که من به قول تخصصی او اطمینان پیدا کنم؛ مثلاً یک پزشکی که اظهار نظر می‌کند، اگر به کلامش اطمینان پیدا نکردم، قولش حجت نباشد و مثل قول غیرپزشک تلقی شود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر در مورد بیماری خودم به یک فرد غیر متخصص مراجعه کنم و او بگوید شما مثلاً زخم معده دارید و باید فعلاً دارو را بخورید. بعد آن دارو را بخورم حالم بد شود، در اینجا عقلاً مرا تقبیح می‌کنند و می‌گویند مگر او متخصص است که تو از آن نسخه گرفتی. حال فرض کنید به یک متخصص گوارش مراجعه کردم و وی گفت خوب باید آزمایش بدهی و بعد از بررسی آزمایش گفت شما زخم معده داریم و این داروی شما است؛ اما اطمینان به تشخیص و درمان وی پیدا نکردم.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- آیا در چنین فرضی وقتی به نسخه این پزشک عمل کنم، از نظر عقلا مثل عمل کردن به نسخه غیر متخصص است؟ اگر بگویید معیار حجیت در قول خبره، اطمینان است، هیچ فرقی بین این دو نسخه نیست!

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مرحوم آخوند می‌فرمایند اگر قول لغوی از باب قول اهل خبره معتبر باشد، وقتی حجت است که ما به کلامش وثوق و اطمینان پیدا کنیم. پس مادامی که این وثوق پیدا نشده است، حجت نخواهد بود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شهید صدر - رضوان اللہ علیہ - اشکال می‌کنند که سخن مرحوم آخوند با موارد دیگری که ما در آنجا به قول شخصی از باب خبره مراجعه می‌کنیم، سازگار نیست.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- یکی از مهم‌ترین این موارد، مراجعه مستفتی به مفتی، و یا همان مراجعه شخص مقلد به فقیه است. فقیه از باب اینکه خبره است، قولش حجیت دارد.
- در اینجا لازم نیست شخص عامی اطمینان پیدا کند که فتوای فقیه مطابق با واقع است، بلکه همین مقدار که این شخص خبره است و با توجه به خبرویتش نظری را اظهار کرد، برای این شخص عامی حجت خواهد بود.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- فتوای یک فقیه در مقایسه با یک کسی که بی‌سواد است در نظر مردم قابل اعتمادتر است؛ چنان‌که نظر یک پزشک متخصص در مسائل پزشکی در مقایسه با مثلاً بقال قابل اعتمادتر است؛ چون این متخصص است و آن نیست؛ اما معنا قابل اعتماد تر بودن این نیست که قول متخصص موجب اطمینان من است. معنای حجیت قول لغوی

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اساساً حجیت قول لغوی یعنی اینکه به من بگویند این لفظ معنایش فلان است. آنگاه بگویم چرا؟ بگویند به گفته فلان لغوی؛ به عبارت دیگر حجیت قول لغوی یعنی اینکه مستند من، قول لغوی باشد.
- پس اگر خودم هم متخصص هستم و با مراجعه به لغت و منابع دیگر اطمینان پیدا می‌کنم، دیگر به حجیت قول لغوی کار ندارم.

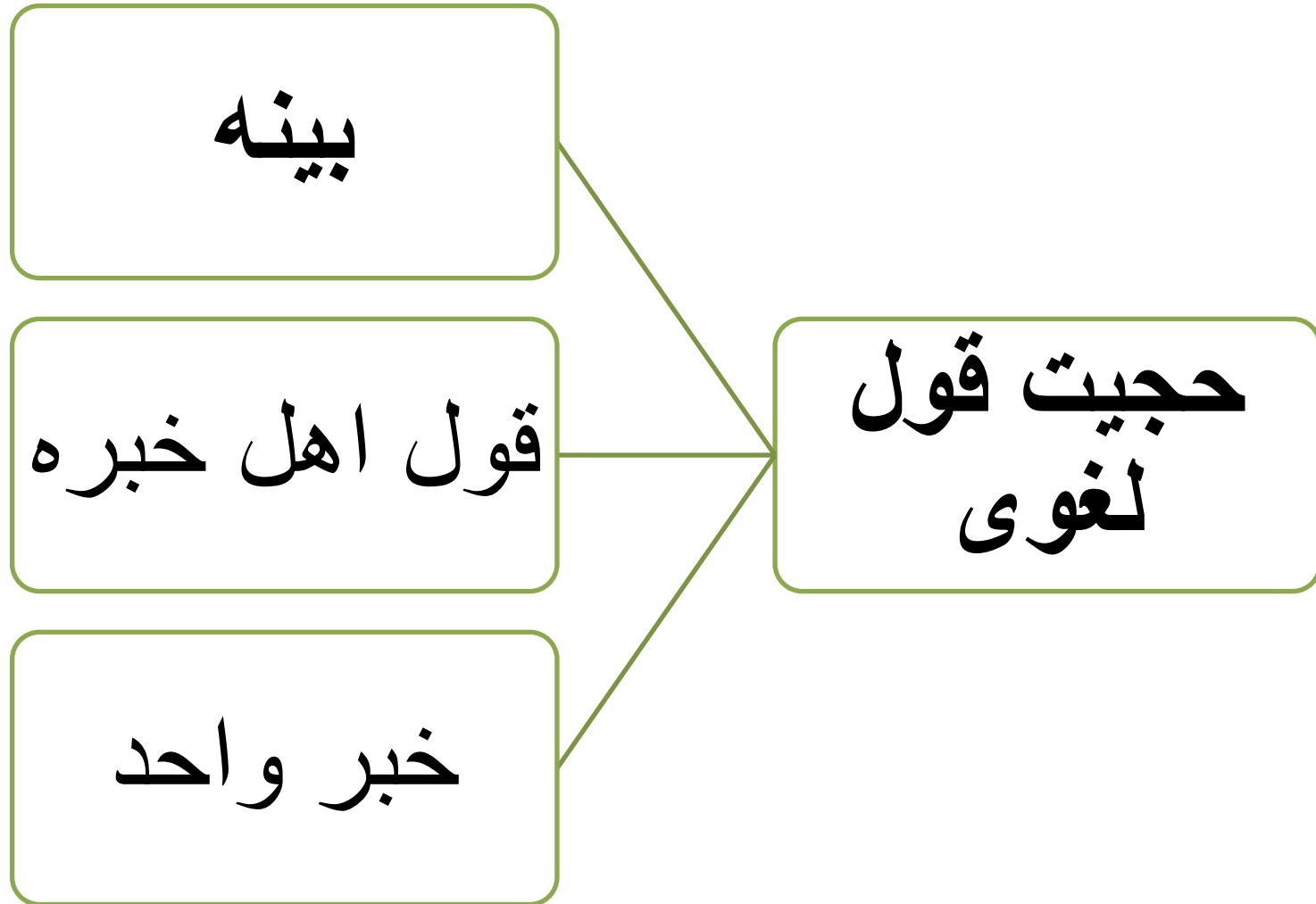
## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- شارع یک سری شرایط زائد بر شرایط عقلائی را در مفتی معتبر دانسته است. حداقل از نظر فتوای مشهور فقها چنین است که مرجع تقلید باید عادل باشد. پس وثاقت کافی نیست. در حقیقت این‌ها شرایطی هستند که تعبداً اضافه شده است و گرنه در قول اهل خبره این امور لازم نیست.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- . كفاية الأصول، ص ٢٨٧.
- . بحوث في علم الأصول، ج ٤، ص ٢٩٦.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



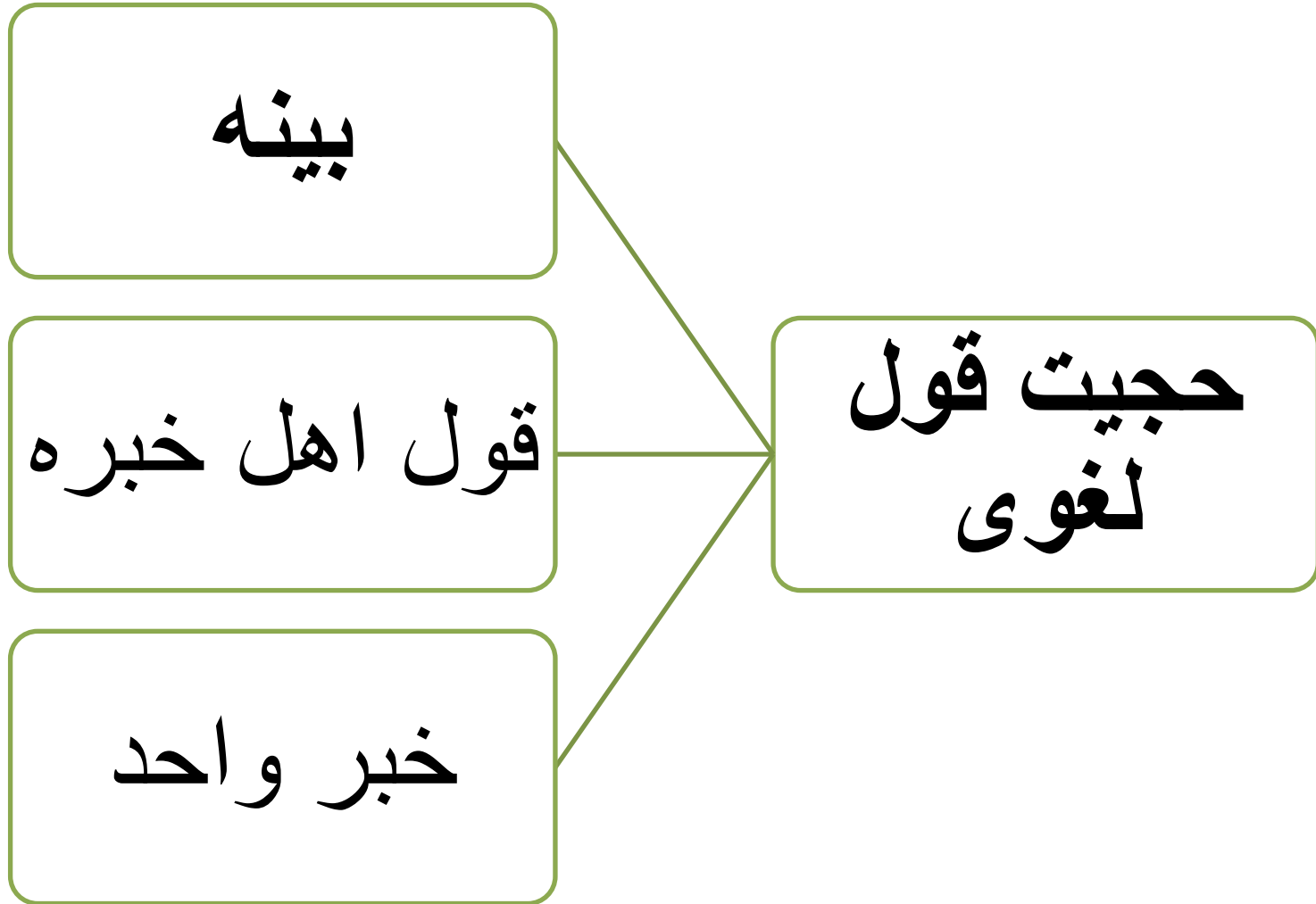
## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ۳. حجیت قول لغوی از باب خبر واحد
- اصل سؤال در محل بحث این است که قول لغوی از باب قول خبره حجت است یا نه؛ به عبارت دیگر آیا مسأله لغت یک مسأله تخصصی است یا نه. اگر تخصصی باشد، بحث اهل خبره معنا دارد و اگر تخصصی نباشد دیگر بحث از خبرویت معنا ندارد.
- شهید صدر رضوان الله علیه می‌گوید چون مسأله لغت امر حسی است، نیاز به خبرویت ندارد. در واقع معیاری را که ایشان برای نیاز به خبرویت مطرح می‌کند، حدسی بودن است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- می‌گویند اینکه لفظ در چه معنایی استعمال می‌شود یا برای چه معنایی وضع شده است، امری حسی است. بنابراین حجیت قول لغوی در نظر ایشان از باب خبر واحد حجت است. به همین دلیل در حجیت قول لغوی همان شرایط خبر واحد مثل وثاقت و اخبار از حس لازم است.
- . همان، ص ۲۹۷.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور





## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- 
- ۴. تفصیل بین موارد مختلف

• سخن لغوی

– مستعمل فيه

• زبان معاصر

– الفاظ رایج و عادی

« حسی غیر تخصصی

– الفاظ غیر رایج یا تخصصی

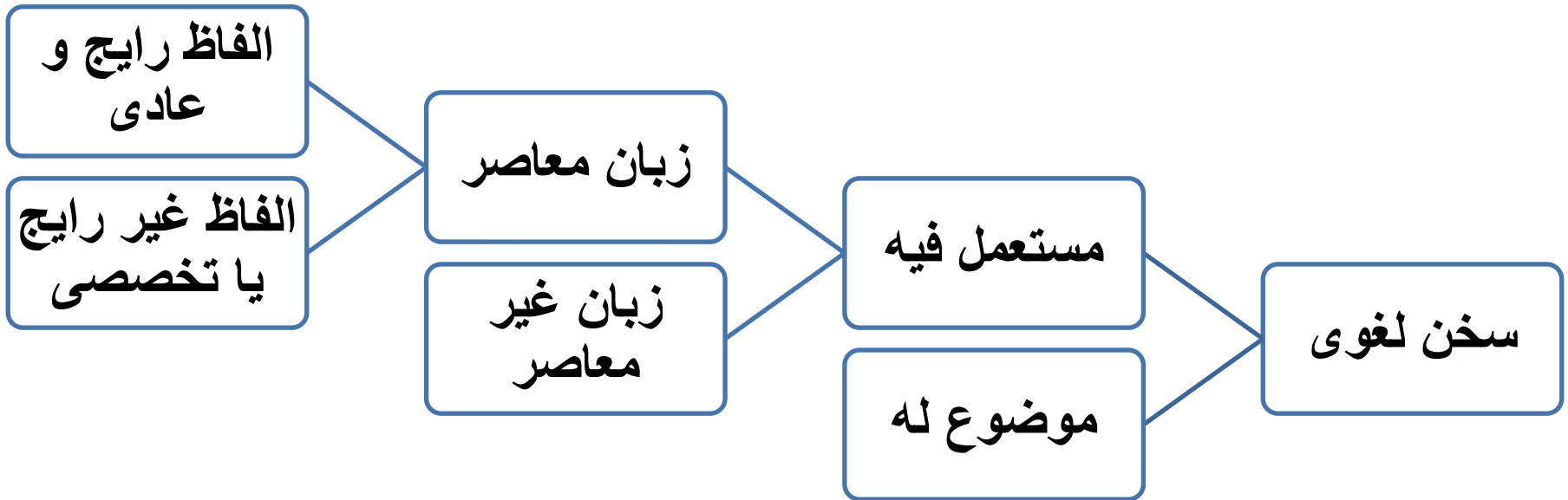
« حدسی یا حسی تخصصی

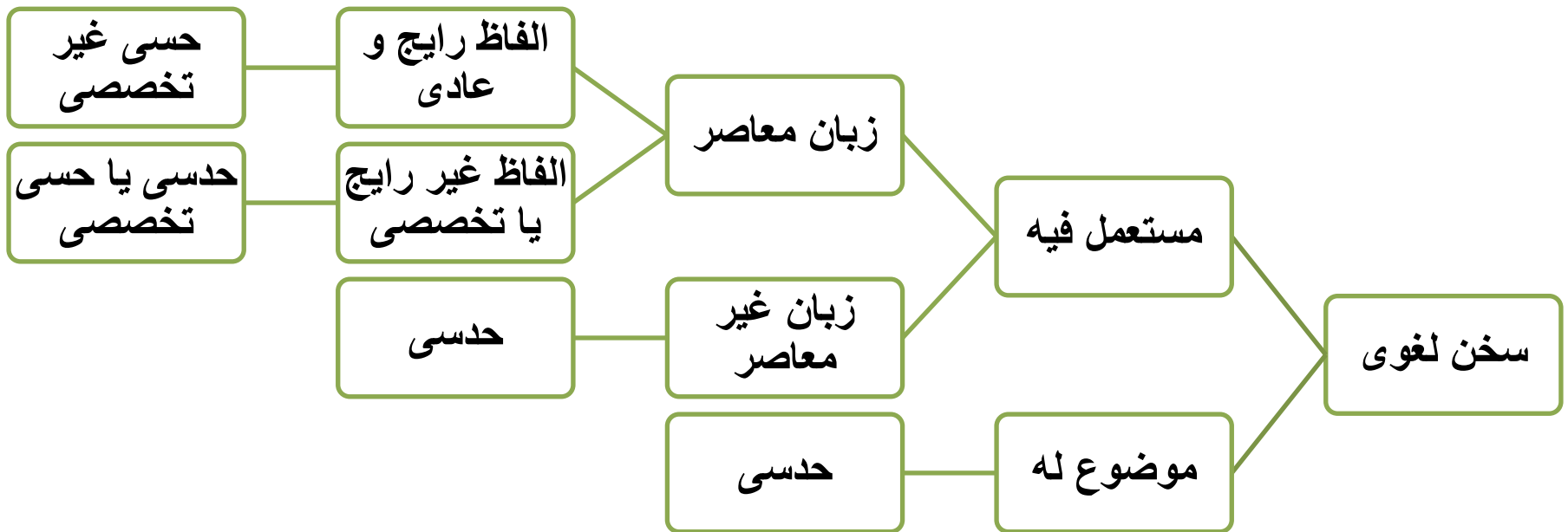
• زبان غیر معاصر

– حدسی

– موضوع له

• حدسی





## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- به نظر ما مواردی که ما به لغوی مراجعه می‌کنیم، به یک شکل نیستند. بنابراین اینکه قول لغوی مطلقاً از باب خبر واحد حجت است یا مطلقاً از باب قول اهل خبره حجت است، قضاوت تمامی نیست.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- توضیح مطلب این است که گاهی برای اموری مثل تشخیص مستعمل فیه به لغوی مراجعه می‌کنیم و این خود چند صورت دارد:
- گاهی این لغوی در زبانی صحبت می‌کند که در آن گویندگان دیگری هستند که این استعمالات را انجام می‌دهند و لغوی صرفاً ناقل یک مطلبی است که در حال حاضر اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که من هم اگر در آن زبان بودم، به همان راحتی که لغوی این استعمال را احراز کرده است، من نیز احراز می‌کردم؛

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً کسی به فرهنگ زبان فارسی مراجعه می‌کند تا معانی الفاظ در زبان فارسی امروز را بداند و فرض این باشد که از هر فارسی‌زبانی معانی این الفاظ را بپرسد، حداقل مستعمل فيه این الفاظ را بلد است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر مراجعه ما به لغوی در این حد مقصود باشد، سخن شهید صدر رضوان الله علیه درست است؛ ولی اگر سطح مراجعه ما به لغوی کمی از این حد بالاتر برود، دیگر به این شکل صحیح نیست؛



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً در زبان معاصر گرچه همه اهل زبان فی الجمله با استعمالات الفاظ در زمان خودشان آشنا هستند، بالجمله با برخی استعمالات حتی در زمان خودشان هم آشنا نیستند. این طور نیست که هر فارسی‌زبانی بداند هر لفظی که در فارسی معاصر به کار می‌رود، در چه معنا یا معانی استفاده می‌شود؛

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- برای مثال الفاظ جدیدی که در یک زبان وارد می‌شود یا الفاظی که تخصصی است از دسترس بسیاری از اهل زبان به دور است.
- اگر الآن از مردم پرسى **رویگرد** یا **فرآیند** یعنی چی، خیلی از آن‌هایی که تحصیل کرده هستند هم نمی‌دانند. این‌ها الفاظی نیست که همه معنایش را بدانند.
- بنابراین حتی در زبان معاصر یک سطحی از زبان هست که به تخصص نیاز دارد؛ چه رسد به زبانی که دیگر زبان معاصر نیست و الفاظش امروز استعمال نمی‌شود.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اینکه شهید صدر رضوان الله علیه به طور مطلق فرمودند امر زبان و لغت حسی است، می‌گوییم حس هم مراتب دارد. یک سطح از حسی بودن است که درک آن برای عموم میسر است و تخصص نمی‌خواهد؛ اما یک سطح از حسی بودن است که درک آن برای عموم میسر نیست؛ مثلاً پزشک یاد می‌گیرد که با لمس کردن اعضای بدن چیزهایی را تشخیص بدهد. کاری که وی انجام می‌دهد، حسی است. از حس لامسه استفاده می‌کند؛ اما لمس کردن پزشک با لمس کردن یک آدم عادی فرق دارد.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بنابراین صرف اینکه یک امری حسی است معنایش این نیست که نیازمند تخصص نیست. بسیاری از چیزها در علوم تجربی حسی است و در همان حال تخصصی است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- نتیجه آنکه، قول لغوی حداقل در بعضی موارد - اکثر مواردی که ما به لغت مراجعه می‌کنیم از این قبیل است - نیازمند خبرویت است. بخشی که نیاز به خبرویت ندارد، همان استعمالات روزمره‌ای است که نوع مردم اهل زبان بلد هستند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- ما معمولاً به قول لغوی مراجعه می‌کنیم تا استعمالات زمان روایت و زمان آیه را بدانیم و این‌ها چیزهایی نیست که هر کسی که عربی بلد باشد، آن را بفهمد.
- عرب‌زبان معاصر هم مثل ما نیاز به مراجعه دارد؛ مثل بوستان و گلستان سعدی می‌ماند. هر فارسی‌زبانی گلستان و بوستان نمی‌فهمد، بلکه حتی ترکیباتش برایش نامأنوس است و باید مراجعه کند.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

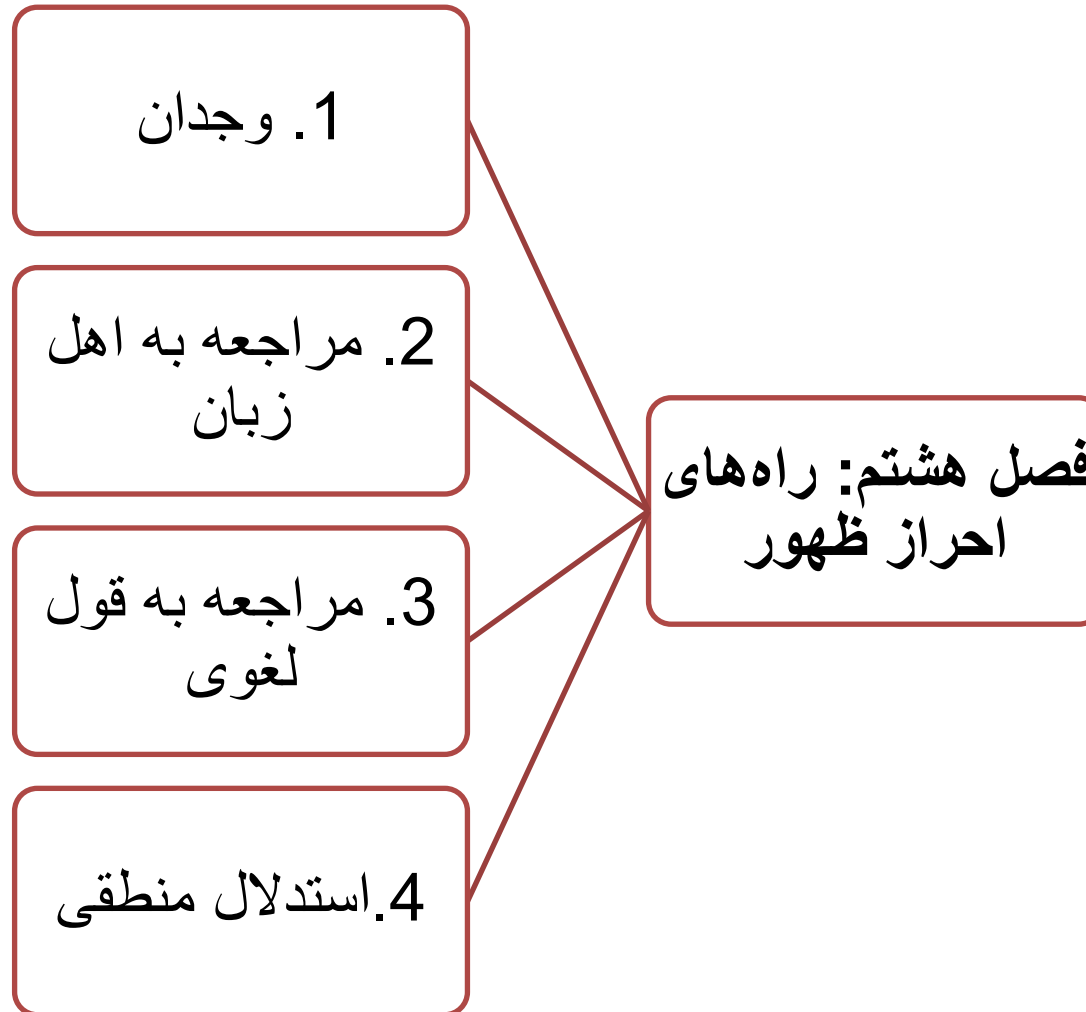
- نتیجه اینکه قول لغوی در آن بخشی که نیاز به خبرویت ندارد، از باب خبر واحد حجت است و ادله حجیت خبر واحد آنجا را در برمی‌گیرد و در آن بخشی که نیازمند خبرویت است، از باب اهل خبره حجت است و ادله حجیت قول خبره آن را در برمی‌گیرد.
- شرایط حجیت خبر واحد با شرایط حجیت قول اهل خبره فرق چندانی ندارد. شرط مخبر در خبر واحد وثاقت است و شرط فرد خبره هم وثاقت است.

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- این نکته به خصوص پزشکان پزشکان قدیم بسیار مهم بوده است؛ زیرا آن‌ها ابزارهای تشخیصی مثل آزمایش و رادیولوژی و ... نداشتند؛ مثلاً در طب قدیم اندازه‌گیری نبض بسیار مهم بوده است. پزشک‌های قدیم دوره‌های طولانی می‌دیدند تا اندازه‌گیری نبض را یاد بگیرند و از روی نبض می‌توانستند تشخیص‌های فراوان بدهند. یکی از پزشکان خیلی خوب پاکستانی که در طب قدیم تحصیل کرده بود، می‌گفت فقط در نبض دو سال دوره دیده‌ام در حالی که پزشک معاصر ما در اینکه نبض را پیدا بکند، هم مشکل دارد.



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور



## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- بازگشت به بحث تبادل و صحت حمل

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- از همین جا به سؤالی که قبلاً مطرح شد، برمی‌گردیم و سؤال این بود که:
- وقتی به اهل زبان مراجعه می‌کنیم و از آنها سؤال می‌کنیم که این لفظ برای چه معنایی وضع شده است یا برای چه معنایی استعمال شده است، چه مقدار قول آنها برای ما حجت است؟

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- اگر آن چیزی را که اهل زبان برای ما بیان می‌کنند، امر حسی باشد و نیازمند تخصص نباشد؛ یعنی برای هر کسی که در آن زبان تکلم می‌کند و با آن زبان آشنایی دارد، این مطلب به سادگی دریافت می‌کند، در این صورت قول شخص از باب خبر واحد برای ما حجت خواهد بود؛

## فصل هشتم: راه‌های احراز ظهور

- مثلاً به یک اهل زبان که ثقه هم است مراجعه کنم و از او بپرسم که در این زبان لفظ پنجره برای چه به کار می‌رود و او بگوید به فلان چیز می‌گویند پنجره.
- در اینجا وی در حقیقت مستعمل فیه را برای من بیان می‌کند و این مقدار از تشخیص مستعمل فیه نیازمند تخصص نیست و یک امری است که هر آشنای با زبان فارسی این را می‌داند؛